

بسم الله الرحمن الرحيم

اول: مقدمه

علی‌رغم همه تلاش‌ها و خدمات نظام جمهوری اسلامی در مناطق محروم و صرف هزینه‌های مالی و انسانی فراوان؛ همچنان موضوع رفع فقر و محرومیت در مناطق مختلف؛ علی‌الخصوص مناطق روستایی به‌عنوان یک چالش اساسی در دستور کار مسئولان و برنامه‌ریزان نظام جمهوری اسلامی می‌توان نام برد.

اما علت اساسی این عدم بهینگی چیست؟ آیا صرفاً مدل‌های محرومیت‌زدایی که اغلب توسط نهادهای انقلابی انجام می‌پذیرید ناکارآمد و نارساست؟ یا ریشه مشکل را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد؟ اگرچه مدل‌های محرومیت‌زدایی که تاکنون بوده و همچنان هم هست، مدل‌هایی مبتنی بر شاخص‌های هویت دینی و بی‌تفاوت نسبت به ریشه مشکلات هست، اما این همه ماجرا نیست... نقش نظام برنامه‌ریزی که متولی توسعه یا پیشرفت کشور را بر عهده دارد در این موضوع چیست؟

نظام برنامه‌ریزی و دستگاه‌های اجرایی کشور؛ به‌عنوان مرجع تصمیم‌سازی؛ قانون‌گذاری، توزیع منابع و اجرای برنامه‌ها نقش اساسی را در محرومیت‌زدایی و محرومیت‌زدایی می‌توانند ایفا کنند؛ بنابراین بایستی به سراغ آن‌ها رفت و تعریف و شاخص‌های آن‌ها در مورد این موضوع را بررسی کرد. نظام برنامه‌ریزی در فرایندهای تقنینی و برنامه‌ای امر محرومیت و رفع فقر را چگونه می‌بیند؟

متأسفانه جست‌وجو در قوانین و مراکز اصلی قانون‌گذاری و اجرا در جمهوری اسلامی نشان از وجود خلأهای اساسی در این حوزه دارد. خلأهایی مانند تعریف یکسان و کارآمد از فقر و محرومیت و همچنین شاخص‌های کارآمدی برای تشخیص محرومیت و نسبت برنامه‌ریزی‌های کلان حکومتی با شاخص‌های محرومیت. مطالعه اسناد و مدارک پشتیبان مرتبط با آرمان محرومیت‌زدایی نشان می‌دهد که سه مؤلفه مهم در فرایند محرومیت‌زدایی کاملاً محسوس هستند.

نخست آنکه فرایند محرومیت‌زدایی دارای نقشه راه مشخص و دقیقی نیست. دوم آنکه به علت فقدان نقشه راه مشخص در فرایند محرومیت‌زدایی، نگاه سلیقه‌ای و بخشی‌نگرانه بر این موضوع حاکم شده است. سوم آنکه

ساختارهای رسمی نظام خود را موظف به پشتیبانی از این آرمان نمی‌دانند و به عبارت دقیق‌تر، حتی به فرض وجود نقشه راه، یگان عملیاتی مشخص برای تحقق این فرایند وجود ندارد.

یکی از مهم‌ترین عوامل استمرار جریان‌های حاکمیتی که همواره منجر به رشد و پایداری آن‌ها شده است، وجود ظرفیت بقا و رشد در روند ساخت نظامات اجتماعی آن‌ها بوده است. انقلاب اسلامی و نظام مبارک جمهوری اسلامی به‌عنوان ساحت سیاسی انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر یک پدیده در شرایط درگیری و دشمنی، ظرفیت بقا و رشد را نداشته باشد، در برابر مشکلات تسلیم و شکسته خواهد شد و بالعکس علت رشد در شرایط فشار - که جمهوری اسلامی از آن برخوردار بوده است - ظرفیت بقا و تکامل است. مهم‌ترین وظیفه نهادهای حاکمیتی که مولود انقلاب اسلامی هستند آن است که عهده‌دار پیشبرد آرمان‌ها و اصولی باشند که در بیان امامین انقلاب، ساخت حقیقی انقلاب را تشکیل می‌دهند.^۱

ستاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های متولدشده در بطن انقلاب اسلامی، نسبت وثیقی با حفظ، تثبیت و ارتقاء ساخت حقیقی انقلاب اسلامی دارد. این ستاد از سویی به علت اتصال مستقیم به دستگاه‌های کارشناسی کشور، به‌عنوان بازوی پیش‌برنده اهداف و تدابیر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایفای نقش می‌نماید؛ از سوی

۱. نظام جمهوری اسلامی «توانائی» و «اقتدار ذاتی» دارد؛ همچنانی که تا امروز در طول این سی سال توانسته ایستادگی کند. آن‌ها همه همشان این بود که جمهوری اسلامی را نابود کنند و از بین ببرند؛ اما نه فقط نابود نشد، بلکه روزه‌روز در بخش‌های مختلف قوی‌تر شد. این «توانائی ماندن»، این «اقتدار»، این «ظرفیت بقا» بایستی حفظ شود. این جور نیست که ما هر جور عمل کنیم - ولو بی تفاوت، ولو با عدم توجه به وظائف حساس و مهم - باز هم همین ظرفیت مقاومت باقی بماند؛ آنچه مهم است این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است، که البته حفظ این‌ها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم می‌شکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمانهای جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ این‌ها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. نظام اسلامی، نظام اسلامی است در ظاهر و باطن؛ نه فقط نظام اسلامی در ظاهر شاخصهای هویت اسلامی بایستی معلوم باشد: شاخص عدالت‌طلبی، شاخص ساده‌زیستی مسئولان، شاخص کار و تلاش مخلصانه، شاخص طلب و پویائی علمی بی‌وقفه، شاخص ایستادگی قاطع در مقابل طمع‌ورزی و سلطه بیگانگان، شاخص دفاع از حقوق ملی. از حقوق ملت، دفاع شجاعانه کردن یک شاخص است؛ اجتناب از اشرافیگری؛ این یکی از شاخص‌هاست. مسئله ارزش جهاد و شهادت، یکی دیگر از شاخص‌هاست. اعتماد به مردم، عقیده واقعی به مشارکت مردم. شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخص‌هاست. نزدیکی با ملت‌های مسلمان. ملت‌های مسلمان عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی‌اند. این‌ها شاخص‌هاست و اینها بایستی برجسته شود. دانشجو و دانشگاهی، بخصوص دانشجو می‌تواند در این میدان نقش آفرین باشد؛ میدان حفظ شاخصها، برجسته کردن شاخصها و مختصات حقیقی جمهوری اسلامی؛ غیر از مختصات ظاهری که اسمها و مقامات رسمی و حقوقی و اینهاست. شما می‌توانید سهیم باشید، می‌توانید اقدام کنید. و البته و خوشبختانه، ملت ما ملت بیداری است."

دیگر به علت ارتباط وثیق با بخش مردمی و خصوصی، توانمندی ترجمه برنامه های محرومیت زدایی را به بدنه عمومی کشور داراست.

اما نکته بسیار مهم آن است که همراه با جریان تکامل کشور در هر مرحله ای، ساختارهای پیش برنده کشور از جمله این ستاد معظم، باید بتوانند نقش و مأموریت خود را مبتنی بر نیازها و الزامات آن مرحله تعریف و برنامه و ساختار خود را در جهت تحقق نقش و مأموریت تعریف شده، بازمهندسی نمایند؛ باتوجه به این مهم و همچنین تأکید ویژه مقام معظم رهبری بر حساسیت دوران فعلی و ورود به گام دوم انقلاب اسلامی، باید برای ارتقاء فعالیت های «ستاد» تمهیدات ویژه ای اندیشید. تدابیری که از طریق آن، موفقیت های به دست آمده و دستاوردهای ستاد در مراحل پیشین، قابلیت استمرار داشته باشد و این ستاد کماکان بتواند به عنوان یک بازیگر محوری در تحقق اهداف محرومیت زدایی و توانمندسازی نقش ایفا نماید.

باتوجه به کارویژه و مأموریت های ستاد، به نظر می رسد بتوان با تعریف یک نهاد الحاقی در کنار ستاد، موضوع حیاتی توانمندسازی و پایدارسازی مناطق کم برخوردار و نقش آفرینی مردم برای حل چالش های محلی را تعریف و برای آن الگوی جامعی را استخراج نمود. این طرحواره، به بیان ویژگی های کلان این نهاد با نام «شتابدهنده کسب و کار ستاد» با عنوان «شتابدهنده همگام» می پردازد.

دوم: موضوع رسته های شغلی

۱. آمایش هسته های پیشران کسب و کار در کشور

اولین و شاید مهمترین فعالیت شتابدهنده کسب و کار در کشور، شکل دادن یک شبکه بزرگ از راهبران و تسهیلگران حوزه کسب و کار در تمامی مناطق کشور است به گونه ای که هیچ یک از متقاضیان کسب و کارهای خرد، خانگی و متوسط برای پیشبرد اهدافشان دچار سردرگمی نشوند و از سوی دیگر، هیچ یک از تسهیلات یا حمایت های اعطا شده توسط ستاد بدون هدف و بدون پیگیری اثر نباشد.

با این پیش فرض، ستاد دارای شبکه بزرگی از راهبران کسب و کار خواهد شد که اولاً اتصال سازمانی به ستاد ندارند تا چابکی ستاد کماکان حفظ شود و ثانیاً به عنوان پیشبرنده اهداف ستاد در کوچکترین واحدهای جغرافیایی مشغول به فعالیت هستند به گونه ای که با راهنمایی ها و راهبری آنها تمامی متقاضیان ستاد، از

تسهیلات و حمایت های ستاد ، بیشترین بهره را ببرند و ثالثاً انحراف تسهیلات و حمایت های ستاد به حداقل برسد که این، خود یکی از بزرگترین سیستم های پایش غیر مستقیم را برای ستاد ایجاد خواهد کرد. پیش بینی می شود، با طرح شتابدهنده همگام، حداقل ۱۰۰۰ راهبر کسب و کار خرد، خانگی و خانوادگی به متقاضیان خدمت رسانی نمایند.

جریان حلقه های میانی و هسته های پیشرفت منطقه ای مهمترین هدف ستاد و شتابدهنده برای بسط فعالیت ها و مأموریت های مصرح ستاد در ایجاد کسب و کارهای خرد و متوسط هستند. این جریان دارای دو بعد کلی هستند؛

نخست هسته های پیشران، الگوهای موفق مردمی هستند که در یکی از عرصه های کلیدی پیشرفت در یک منطقه خاص، تحولی را به وجود آورده اند؛ به گونه ای که در آن منطقه، عرصه مورد فعالیت آن هسته از یک چالش به یک ظرفیت تبدیل شده است. ظرفیتی که می تواند منطقه را حتی در یک بُعد متحول کند. ظرفیتی که می توان آن را به عنوان یک الگو برای سایر بخش ها در آن منطقه مثال زد و از آن معادلاتی را دریافت کرد برای تحول در عرصه های دیگر تحول مناطق خود دست به اقدام زده اند. هسته های پیشران، هسته هایی هستند که در عرصه های کلیدی منطقه خود نظیر مطالبه گری کسب و کار اجتماعی گردشگری محیط زیست صنعت کشاورزی آموزش صادرات سلامت خدمات اجتماعی و جمعیت و... تجربیات ذی قیمتی را بدست آورده اند که مستندسازی و مدلسازی و تعمیم آنها موجب ایجاد تحول بنیادین در آن منطقه خواهد شد. موضوع مهم آن است که هسته های پیشران در یک عرصه مشغول فعالیت هستند و در همان عرصه نیز تبدیل به یک الگوی موفق شده اند.

دوم هسته های پیشرفت، جریانی از جوانان که نگرش همه جانبه به همه عرصه های تحول آفرین داشته و برای نیل به این جامع نگری در حال طراحی و عملیات هستند.

امروز زمان آن رسیده که سلولهای جدیدی تکثیر شوند که با تمام مجموعه های پیش از خود متفاوت هستند. هسته های همه جانبه ای که واجد شرایط زیر باشند به مقام هسته پیشرفت نائل شده و می توانند در قامت حلقه های میانی نقش آفرینی کنند:

الف. هسته های پیشرفت همه جانبه هستند و به پیشرفت نگاه جامع دارند و در همه عرصه های مرتبط با پیشرفت منطقه خود فعال هستند.

ب. هسته های پیشرفت سلولهایی از جنس سلولهای مغزی هستند. سلولهایی که بارزترین مشخصه آنها عقلانیت و تفکر است و مهمترین جل وه آن در دست داشتن نقشه جامع منطقه است.

ج. هسته های پیشرفت تمام فعالیت هایشان بر اساس یک نقشه است و بدین جهت توانایی به هم رسانی همه عوامل را در منطقه دارند.

تلاش برای بهره برداری از ظرفیت های نهادهای انقلابی یا دولتی و تمامی امکانات و عوامل مادی دستگاهها به روش های مختلف یکی از ویژگیهای هسته های پیشرفت است. هسته های پیشرفت نقشه کاملی برای منطقه و تعامل با حاکمیت دارند و به دنبال تحول حکمرانی در منطقه خود هستند. تغییر سیاستها راهبردها و اولویت های منابع دولتی و حاکمیتی بر مبنای منطق پیشرفت جز جدایی ناپذیر یک هسته پیشرفت است و اگر هسته ای توانایی تصمیم سازی و تاثیرگذاری بر نظام برنامه ریزی و تصمیم گیری استان یا شهرستان و منطقه خود ندارد یک هسته پیشرفت نیست.

هسته های پیشرفت روشهای گوناگونی در برابر دستگاهها به کار می گیرند از مطالبه گری تا همراه سازی دستگاهها به شیوه های متنوع دامنه گسترده ای از فعالیتها را شامل می شود.

د. اگر یک بال هسته پیشرفت تلاش برای تحول حکمرانی است حتماً بال دیگر آن نهادسازی مردمی و میدان سازی برای نقش آفرینی مردم است.

توانایی به میدان آوردن منظم مردم و به مشارکت گرفتن ظرفیتهای مردم در حل مسائل تحول آفرین تنها از عهده حلقه میانی برمی آید که نفوذ کافی در میان مردم داشته باشد

ه — هسته های پیشرفت هر چند دستی بر آتش تفکر و مباحث مبنایی دارند ولی با تفکر انضمامی و با پا گذاشتن در میدان عمل سعی در پیوند مبنایی با عمل دارند. دارا بودن نسبت وثیق با محیط عملیات و مردم، دارا بودن قدرت طراحی، دارا بودن قدرت عملیات، دارا بودن قدرت خودکفایی و عدم وابستگی به منابع نلیپیدار حاکمیتی از ویژگیهای هسته های پیشرفت است.

وجهه همت هسته های پیشرفت حل مسائل تحول آفرین و کلیدی منطقه بر اساس مبنایی اندیشه الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی بوده و حتماً در این راه عملیاتهای موفق را اجرا نموده اند.

و. توجه صرف به ظرفیتهای آسیبها و مزیتها یا نقاط ضعف و همچنین آمایش سرزمینی و بررسی آمارها روشنگر مسیر نخواهند بود.

نگاه کلان تاریخی به روندها و تاثیراتی که توسعه بر مناطق گذاشته و تحولات فرهنگی و اجتماعی می تواند چراغ راه بازگشت به مسیر تمدنی منطقه باشد. چنین نگرشی تسلط به تفاوتهای توسعه با پیشرفت و توجه به آثار توسعه و مبارزه با آن و تسلط نسبی به ادبیات گفتمانی انقلاب اسلامی، دارا بودن بلوغ گفتمان سازی و عقلانیت پیشرفت محور را جز اصلی فعالیت هسته های پیشرفت قرار می دهد

اما پرسش مهم آن است که حلقه های میانی برای پیشبرد اهداف ستاد و شتابدهنده تخصصی کسب و کار چه می کنند؟

نخست آنکه می توانند نقشه پیشرفت جامع منطقه خود را با رصدگری تحلیلی و تاریخی به وسیله دستورالعمل های ستاد استخراج کنند؛

دوم آنکه بر اساس نقشه، گفتمان سازی منطقه ای می کنند؛ حتی اگر لازم بود، آن را به گفتمان ملی بدل می سازند.

سوم آنکه نخبگان درجه یک و دو منطقه خود را با مأموریت های ستاد، توجیه و همراه می کنند. چهارم آنکه مردم را به شیوه های گوناگون برای نقشه بسیج می کنند. یعنی مردم با آگاهی، با انگیزه و عزم و اراده، با استعداد و ابتکار و خلاقیت، با سرمایه، در میدان نقشه فعال شوند.

پنجم آنکه برای پیشبری نقشه نیروسازی کرده و میان جوانان تربیت یافته و نخبگان بدنه سازی کند. ششم آنکه نهاد های مردمی مرکزی مانند مساجد اثر گذار، رسانه محلی اثر گذار و ... را در راستای اهداف نقشه پیشرفت همراه می نمایند.

هشتم آنکه بر اساس مصوبات ستاد، جریان مطالبه گری نسبت به نهاد های حاکمیتی را شکل می دهند. نهم آنکه در ساختار های اثر گذار حاکمیت، نفوذ می کنند تا نقشه را بر اساس توان حاکمیت پیش برند و در قالب های گوناگون مانند تشکیل شورا و ... با نهاد حاکمیت محلی ارتباط گرفته و آن را همراه می سازند. دهم آنکه عملیات های خلاقانه حول پیشران های پیشرفت را طراحی و اجرا می کنند.

یازدهم آنکه هسته های پیشرفت تخصصی در محیط بر اساس اقتضائات ستاد و به کار گیری هسته های مردمی دیگر مانند هسته های فرهنگی علمی اقتصادی اجتماعی و ... تشکیل می دهند

۲. تشکیل زنجیره توانمندسازی مناطق محروم

توانمندسازی فرایندی است که افراد یا گروه های هدف را قادر می سازد تا دسترسی و کنترل بیشتری بر منابع داشته باشند و بتوانند بر شرایط پیرامون خود تأثیر بیشتری بگذارند نتیجه توانمندسازی افزایش قدرت تصمیم گیری انتخاب فرایندها و درگیر شدن در همه مراحل اعم از اولویت بندی برنامه ریزی اجرا و پایش و ارزشیابی است.

رسالت اصلی ستاد، ایجاد یک بستر فراگیر برای مهارت افزایی و بالفعل شدن ظرفیت های «انسانی، اجتماعی، مالی، زیرساختی و زیست محیطی» یک منطقه است به گونه ای که با استفاده از این بستر، افراد حاضر در مناطق

محروم بتوانند به خود شکوفایی استعدادها و همچنین پیاده‌سازی ظرفیت‌های بالقوه خود برسند. این بستر به‌اختصار شامل: «طراحی و پیاده‌سازی زنجیره‌های مهارت ورزی و خودشکوفایی به غرض ایجاد ویژگی و ظرفیت‌های پایدار (شغل، سلامت، آموزش، هنجار اجتماعی و...) در منطقه با محوریت خودکفایی و خوداتکایی مردم آن منطقه» است. زنجیره توانمندسازی به‌صورت پیش‌فرض دارای ۵ بعد اصلی است: «بعد کسب‌وکار و اشتغال؛ بعد سلامت و بهداشت فردی و اجتماعی؛ بعد آموزش و مهارت‌افزایی عمومی و تخصصی؛ بعد فرهنگ و ارتقاء پسند اجتماعی؛ بعد زیرساخت‌های حیاتی و پیشرفت».

سعی بر آن است تا برنامه‌ها، مأموریت‌ها و فعالیت‌های ستاد در جریان توانمندسازی مناطق محروم هدف، مبتنی بر این ابعاد ۵ گانه پایه‌ریزی شود؛ همچنین ابعاد فوق در مناطق هدف تاحدامکان به‌صورت موازی پیش خواهند رفت تا نتایج ملموس آن در کوتاه‌مدت قابل‌سنجش باشد.

در بین ابعاد ۵ گانه، بعد کسب‌وکار که به معیشت و اشتغال پایدار افراد در مناطق محروم کمک می‌کند، اولویت نخست به نسبت ۴ بعد دیگر خواهد بود.

ستاد که در اجرای مأموریت خود مبنی بر تسهیل مسیر فقرزدایی و محرومیت‌زدایی همواره به دنبال طراحی مناسب‌ترین راهکارها و روش‌هاست تا هدف توسعه اشتغال و فراهم‌آوردن زمینه پیشرفت جوامع محلی و ارتقاء سطح معیشت مناطق هدف را به‌گونه‌ای پایدار محقق نماید؛ به همین دلیل به موضوع مشارکت با کارآفرینان در مناطق محروم و روستایی با محوریت تأمین مالی تمرکز نموده است. بدین ترتیب ستاد سعی بر آن داشته است تا با بهره‌گیری از شیوه‌های تأمین مالی نوین و همچنین بر پایه ظرفیت‌های معرفی شده در قانون عملیات مالی و بانکی، روشی بهره‌ور را طراحی نماید. در این روش هدف اصلی اعطای تسهیلات و یا تأمین مالی نیست بلکه هدف شتاب‌دهنده، طراحی سازوکاری برای توسعه و پایدارسازی کسب‌وکارهای مؤثر در پیشرفت جوامع محلی و جلب مشارکت کارآفرینان در این حوزه است. الگوهای پیشرفت اقتصادی-اجتماعی جامعه‌محور، ضمن توانمندسازی مردم، زمینه‌های مشارکت فعال آنان را در برنامه‌های پیشرفت فراهم می‌کند؛ به‌این ترتیب می‌توان مدعی شد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی آحاد مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد، شاکله اصلی این رویکرد است؛ به‌نحوی که گروه‌های سازمان‌یافته و صاحب مهارت‌های لازم مردمی، دارای ظرفیت نوآوری، دارای پاسخگویی سریع به نیازهای محلی و ارائه خدمات مناسب بوده و این ویژگی‌ها و مزیت نسبی آنها در پیشبرد اهداف ستاد در سطح محلی است.



۳. تشکیل زنجیره کسب و کار خرد و متوسط منطقه‌ای

جریان برنامه‌ریزی در کشور توانمندی بهره‌مندی از نظام ظرفیت‌ها و تحولات راهبردی در منطقه را ندارد. محوری‌ترین موضوع در این رابطه این است که نظام برنامه‌ریزی متمرکز نمی‌تواند حجم عظیم ظرفیت‌ها در یک منطقه را شناسایی کرده و پاسخگوی مشکلات و موانع موجود در منطقه باشد. علت اینکه باید به سمت نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز گام برداریم و به دنبال جوشش و شکل‌گیری جریان فکر در منطقه باشیم، این است که در چهل سال بعد از انقلاب، ظرفیت‌ها، چالش‌ها و مسائل فراوانی روی هم انباشت شده و دیگر دولت نمی‌تواند آنها را حل نماید.

باتوجه به اینکه نظام بروکراتیک کشور در حوزه برنامه‌ریزی و حل مسائل به بن‌بست رسیده است، بنابراین باید به سمت نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و منطقه‌ای برویم.

در جریان پیشرفت منطقه‌ای به‌اختصار به دنبال مؤلفه‌های زیر هستیم:

۱. توانمندی نمایش صحیح و متنقن از ظرفیت‌ها و مسائل یک منطقه؛

۲. توانمندسازی راهبران اجتماعی؛ یعنی در جریان پیشرفت منطقه‌ای، راهبران اجتماعی در نحوه بهره‌مندی

از منابع حاکمیت جهت پیشبرد اهدافشان در منطقه آموزش داده شوند.

برای معماری صحیحی این توانمندسازی، باید ۲ عملیات را به صورت همزمان توسط شتابدهنده، پیش برد؛

نخست آمایش رسته های شغلی هر منطقه به تفکیک شهرستان های کشور و در هر شهرستان به تفکیک شهر، بخش و دهستان به گونه ای که یک نقشه تفصیلی ظرفیت های کسب و کار در کشور ایجاد شود تا ستاد و سیاستگذاران در کشور بدانند که در هر نقطه به تفکیک دهستان چه ظرفیت های کسب و کاری وجود دارد و بر مبنای آن باید تصمیم به حمایت و اعطای تسهیلات آن هم با درجه های مشخص و وزن مرتبط با ظرفیت جغرافیا بگیرند

دوم، راه اندازی نهاد تخصصی مشاوره کسب و کار در هر منطقه و همچنین به صورت آنلاین به گونه ای که همه متقاضیان تسهیلات و خدمات و حمایت های ستاد بتوانند در یک بستر امن و مستمر به دریافت خدمات تخصصی کسب و کار خود برسند.

۴. طراحی الگوی تکثیر برای جریان حکمرانی

گام نهایی عبارت است از ایجاد تصویر حل مسئله در سطح کلان برای نظام حکمرانی کشور به گونه ای که الزامات و نیازهای تحقق مسئله در سطح جامع را رعایت نموده و مبتنی بر ادبیات نظام حکمرانی کشور باشد. از این طریق، فرایندهای الگوی پیشرفت جامع قابلیت ارائه به دستگاه کارشناسی نظام را خواهد داشت به گونه ای که دستگاه کارشناسی نظام در مقابل این الگو موضع نگرفته و محتوای موجود در این نظام را پذیرفته و آن را قابل تحقق بداند.

سوم: تشخیص رسته های

در راستای جامه عمل پوشاندن به آرمان های انقلاب اسلامی، اندیشه های تابناک امام خمینی (ره) و تحقق منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با توجه به اهمیت توجه به جریان تکاملی انقلاب اسلامی، باید بتوانند نقش و مأموریت خود را مبتنی بر نیازها و الزامات هر مرحله تعریف کرده و سپس برنامه و ساختار خود را در جهت تحقق نقش و مأموریت تعریف شده، بازمهندسی کنند؛ براین اساس و با عنایت به تأکید ویژه مقام معظم رهبری بر حساسیت دوران فعلی و ورود به دوران گام دوم انقلاب اسلامی، «ستاد» باید تدابیر و تمهیدات ویژه ای را برای مبدل شدن به «نهاد تأمین مالی تراز گام دوم انقلاب» بیندیشد. تدابیری که از طریق آن، موفقیت های به دست آمده و دستاوردهای ستاد در گام نخست انقلاب، قابلیت استمرار داشته باشد و کماکان

بتواند به عنوان یک بازیگر محوری در تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی نقش ایفا نماید و در عین حال بتواند متناسب با نیاز، اقتضا و ظرفیت‌های گام دوم انقلاب به نقش‌آفرینی مؤثر در این دوران جدید بپردازد. «شتابدهنده کسب و کار همگام»، یک نهاد الحاقی و همکار برونسپار به ساختار ستاد است که مأموریت ذاتی آن «تشریح راهبردی و راهبری فکری، گفتمانی و عملیاتی گام‌های پیشرفت و عدالت و توانمندسازی تهیدستان با تمرکز بر حوزه کسب و کار خرد، خانگی و خانوادگی و متوسط محلی است و با تاکید بر محوریت حلقه‌های میانی، جوانان، میدان‌داری مردم و بسط روحیه انقلابی سعی در ایجاد اشتغال پایدار با ظرفیت‌های بومی محلی دارد».

راهبردهای شتابدهنده

۱. طراحی مدل و تعریف عملیاتی ابعاد توانمندسازی و پیشرفت جوامع محلی با محوریت توسعه کسب‌وکارهای محلی و بومی و ایجاد اشتغال پایدار در سطوح مختلف مناطق محروم.
۲. شناسایی نقاط گلوگاهی و بزنگاه‌های تحول‌آفرین در حوزه محرومیت‌زدایی و توانمندسازی مناطق محروم به نحوی که مهندسی مجدد آن نقاط، منجر به تغییر محسوس در روند کارآمدی نظام و تحول حکمرانی و بهبود وضعیت مناطق محروم شود.
۳. ایجاد محیط مشارکت اجتماعی و استفاده از همه ظرفیت‌های کشور برای بهبود وضعیت مناطق محروم با تأکید بر شکل‌گیری جریان کارآفرینان مناطق محروم در جهت ایجاد زنجیره اشتغال پایدار و توانمند شدن افراد ساکن در مناطق محروم و کم‌برخوردار
۴. ایجاد تصویر حل مسئله در سطح کلان برای نظام حکمرانی کشور به گونه‌ای که الزامات و نیازهای حل مسئله در سطح یک جامعه محلی را رعایت نموده و مبتنی بر ادبیات نظام حکمرانی کشور باشد.
۵. بسط گفتمان «پیشرفت و عدالت» در میان میلیون‌ها جوان با محوریت هسته‌های جهادی پیشرفت و با کنشگری گفتمانی

اهداف عملیاتی شتابدهنده

- ۱) تدوین اسناد پشتیبان، مبانی نظری، تعیین اصول الگوی عملیاتی و تدوین نسخه اولیه نرم افزار پیشرفت و توانمندسازی جوامع محلی و کسب و کارهای خرد
- ۲) تدوین و عملیاتی سازی نظامات پیشرفت و توانمندسازی مناطق محروم در حوزه کسب و کار و اشتغال و معیشت پایدار
- ۳) تنظیم و شبکه سازی حلقه های میانی مردمی در راستای ایجاد تمامی سامانه های حوزه توانمندسازی و اشتغال آفرینی
- ۴) ایجاد بستر همکاری و مشارکت راهبردی دستگاه های اجرایی و دولتی در محیط توانمندسازی ستاد
- ۵) استفاده حداکثری از امکانات و ظرفیت های دولتی، حاکمیتی و منابع پولی بانکی در جهت پیشبرد اهداف و مصوبات ستاد
- ۶) هدایت منابع ستاد و جهت دهی و تنظیم دقیق تسهیلات به ایجاد اشتغال پایدار و تکمیل زیرساخت های حیاتی و پیشرفت در مناطق محروم
- ۷) رصد و شناسایی نمونه های موفق عملیاتی شده در سطح کشور به غرض توسعه و تکثیر آنها در مناطق هدف
- ۸) رشد هسته های مردمی و راهبران اجتماعی به غرض سپردن مأموریت ها به این قشر در جهت حداکثرسازی نقش آفرینی مردمی و گروه های محلی و بومی
- ۹) شبکه سازی راهبران کسب و کار در سطح کشور
- ۱۰) بستر سازی تحقق سایر فعالیت ها و برنامه های ستاد در مناطق محروم
- ۱۱) خلق میدان ها، رویدادها و محیط های پرورش ایده ها، استعدادها و خلاقیت های معطوف به هسته های مردمی و راهبران اجتماعی در سطح ملی و بین المللی

شورای سیاست گذاری شتاب دهنده

به منظور راهبری و مدیریت امور مرتبط با فعالیت های شتاب دهنده کسب و کار و بهره گیری از ظرفیت تمامی واحدهای تابعه ستاد، شورای سیاست گذاری با اعضا و حدود فعالیت زیر تشکیل می شود:

تعداد اعضای شورا ۵ نفر و به شرح زیر است:

الف) مدیرعامل ستاد به عنوان رئیس شورا

ب) مسئول شتابدهنده به عنوان دبیر شورا

ج) ۲ معاون ستاد به انتخاب مدیرعامل و رئیس شورا

د) مسئول شبکه سازی شتابدهنده به عنوان عامل میدانی کسب و کار

شورا به طور منظم هر ماه، تشکیل جلسه خواهد داد. هماهنگی برگزاری جلسات شورا با دبیر شورا می باشد. در صورت نیاز و بنا به پیشنهاد دبیر شورا و به تشخیص رئیس شورا، جلسات فوق العاده تشکیل خواهد گردید. همچنین دستور جلسه شورا به پیشنهاد دبیر شورا و تأیید رئیس شورا تعیین می شود و حدنصاب تشکیل جلسات، حضور حداقل نصف به علاوه یک اعضا و آرای موردنظر جهت تصمیم گیری، اکثریت نسبی حاضرین می باشد.

حدود اختیارات و وظایف شورای سیاستگذاری:

- تصویب سیاست های کلان شتابدهنده
 - نظارت راهبردی بر نقشه راه شتابدهنده
 - ایجاد هماهنگی بین سیاست ها و مأموریت های شتابدهنده و ستاد
 - تصویب برنامه های سالانه شتابدهنده
 - تعیین ساختار و سازوکار اجرایی شتابدهنده
- شتابدهنده دارای سرفصل بودجه ای اداری اجرایی بوده و تأمین منابع مالی آن از سوی ستاد صورت خواهد پذیرفت.

میزهای تخصصی

- میز تخصصی کسب و کار و اشتغال پایدار
- میز تخصصی پیشرفت منطقه ای
- میز تخصصی آموزش و مهارت افزایی
- میز تخصصی زیرساخت های اشتغال خرد
- میز تخصصی ...

اتاق وضعیت

رکن سنجش، پایش و ارزیابی طراحی‌های میدانی و وضعیت عملکرد مأموریت‌ها باتوجه به شاخص‌های از پیش بیان شده در پیوست مصوبات ستاد و شتاب‌دهنده؛ اتاق وضعیت به صورت برخط، روند مأموریت‌ها و فعالیت‌ها را در دو بخش «عرصه‌ها و موضوعات مصوب» و «جغرافیای انجام عملیات» در قالب‌های برخط به تصویر می‌کشد.